آیت‌الله موسوی اردبیلی؛ فقیه قانونگرا

رحیم نوبهار

پژوهشگر حوزوی و عضو هیات علمی دانشکده حقوق-دانشگاه شهید بهشتی

1. در روزهای گذشته پس از درگذشت فقید سعید آیت‌الله موسوی اردبیلی گویندگان و نویسندگان از ابعاد شخصیتی آن مرحوم فراوان سخن گفتند. این جانب خود در دو یادداشت جداگانه کوشیدم تا جنبه‌هایی از فقاهت، روش و منش فقهی ایشان را آن گونه که دریافته بودم به تصویر بکشم. بویژه اخلاق مداری و اعتدال ایشان مورد توجه بسیاری از گویندگان و نویسندگان قرار گرفته بود. در این نوشتار می‌کوشم رویکرد قانون گرایی آن فقیه سعید را یادآور شوم.

2. جدال حاکمیت فقه یا قانون، در کشور ما ریشه‌دار است و همچنان به گونه‌ای ادامه دارد. جمهوری اسلامی ایران انگاره‌ای بود که به باور بنیان گذار آن در پی آن بود که به این نزاع پایان دهد. در واقع بنا بر این بود که نظام حکومتی دارای اجزا و ارکان یک نظام مدرن از جمله قوه قانون‌گذاری توانمند باشد؛ اما قوانین و مقررات برخاسته از مبانی فقهی باشد. بنای جمهوری اسلامی ایران بر این بود که قوانین برگرفته از مبانی شریعت، معیار و ملاک حل و فصل منازعات باشد. بدین سان جمهوری اسلامی از انگاره‌ای مانند آنچه در عربستان سعودی کنونی رایج است پیروی نکرد. مستند احکام دادگاه‌های ایران نه کتاب‌های فقهی که قوانین و مقررات است؛ اما قوانین برگرفته از مبانی فقهی است و فقه به مثابه منبع قانون است. فاصله میان نظام فقهی که در آن قانون وجود ندارد با نظام قانونی مبتنی بر فقه به اندازه فاصله زمین تا آسمان است.
3. آیت‌الله موسوی اردبیلی همچون فقیهی که از شخصیت‌های برجسته و اثرگذار در تشکیل جمهوری اسلامی و اداره یکی از ارکان نظام برای سالیان طولانی بود تفاوت میان این دو نوع نظام حکومتی را به خوبی دریافته بود و پیوسته بر عنصر قانون گرایی و دعوت گروه‌ها و جریان‌های مختلف به گردن نهادن به قانون تاکید می‌نمود. این بخشی از سخنان آن فقید در خطبه اول نماز جمعه هشتم شهریور 1364 در دانشگاه تهران است:
"توجیه علمی ضرورت حاکمیت قانون این است که حفظ حیات برای هر موجود زنده و به ویژه انسان بسیار مهم و جزو بدیهیات عقلی است. یکی از جنبه‌های حفظ حیات برای او، حفظ اجتماع و نظم و آرامش آن و جلوگیری از اخلال و هرج و مرج و در هم ریختگی جامعه می‌باشد. این بخشی از حفظ بقا و حیات است و تنها راه محافظت از آرامش و نظم اجتماعی، حاکمیت قانون است... در این جا یک سوال برای اجتماعات مذهبی مانند جامعه‌های اسلامی مطرح می‌شود و آن این است که: با وجود دینی مانند اسلام که هم احکام مورد نیاز دنیا و هم احکام مورد نیاز آخرت ما را بیان کرده است چه نیازی به قانون داریم؟ با کمی تامل می‌فهمیم که بهره مندی اسلام از قوانین مختلف، درست است؛ اما این بهره مندی تنها نیمی از مشکل را برطرف می‌کند. احکام اسلامی، به صورت قوانین کلی است؛ تعیین موضوع، تشخیص مصداق، تعیین مورد، تغییر حالات، تغییر عناوین اولیه و ثانویه و امثال این‌ها که دائماً پیش می‌آیند، تشخیصشان نیاز به ضابطه و قانون دارد. (همپای انقلاب: خطبه‌های نماز جمعه حضرت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی، صص 156-157؛ به کوشش: سید محمدباقر نجفی کازرونی، قم، دانشگاه مفید، 1385).

می بینیم که فقیهی آشنا و دلداده فقه چگونه از ضرورت قانون و عدم کفایت به مواد اولیه موجود در فقه و لزوم استنتاج درست و بهینه از آن‌ها با توجه به تغییر و تحولات زمان سخن می‌گوید. وجود چنین اندیشه‌هایی برای کشور ما بسیار مغتنم و ارزشمند است. به زبان فقهی او گویی برای اثبات ضرورت قانون به لزوم حفظ نظم اجتماعی و لزوم اداره جامعه بر اساس مقررات روزآمد استدلال می‌کند. تثبیت حس و روحیه قانون گرایی در کشور –تا همین اندازه که اکنون هست و به رغم مشکلات و کاستی‌های موجود- البته وامدار کسانی چون آیت‌الله موسوی اردبیلی است که در عین برخورداری از مقام فقاهت بر لزوم قانون گرایی تاکید می‌نمایند و در برابر نغمه بی‌نیازی از قانون به سهم خود ایستادگی کردند.

این، بخش دیگری از خطبه نماز جمعه ایشان در 22 آذر 1370 در دانشگاه تهران است: "در اوایل انقلاب، گاهی اوقات تحت عناوین مختلف، نغمه‌های ناسازگاری با قانون بلند می‌شد. بعضی از مقدس نماها می‌گفتند: قانون چیست؟ اصلاً قانون معنا ندارد. ما باید نگاه کنیم و ببینیم از نظر شرع هر کاری که حرام است، انجام ندهیم و واجبات را انجام دهیم. اما حضرت امام –رحمه الله- در مقابل مقدس نماها ایستاد و نظام پارلمانی را پیاده کرد. حتی یادم هست که آن وقت تلاش می‌شد که انتخابات یک سال تاخیر بیفتد ولی حضرت امام اجازه نداد و فرمود: قانون باید اجرا شود و انتخابات با سرعت هر چه بیشتر برگزار گردد (همان منبع، ص 715).
در همین رابطه شخصاً از ایشان شنیدم که: در آغازین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی از روحانیون در برابر الزامی کردن ثبت ازدواج در دفاتر اسناد رسمی مقاومت می‌کردند و با استناد به این که چنین شرطی در منابع فقهی ذکر نشده است الزام آن را غیرشرعی می‌دانستند. آیت‌الله موسوی اردبیلی می‌فرمودند: بارها با صاحبان این افکار استدلال و احتجاج نمودم و حتی گاه برای تثبیت این که این گونه الزامات از لوازم یک جامعه منظم و قانون مدار است دعوا و مشاجره کردم تا بتوانم برخی موارد را تثبیت نمایم.
4. اشراف کافی به فقه از یک سو و برخورداری از بینش و بصیرت اجتماعی از سوی دیگر آیت‌الله موسوی اردبیلی را به این باور رسانیده بود که ارجاعات قانون به فقه باید شفاف و خالی از ابهام باشد. در جریان اصلاح قانون اساسی در سال 1368 و به هنگام بحث بر سر دایره اختیارات ولی فقیه با توجه به این که وظایف و اختیارات رهبری در اصل صد و ده در قالب مواردی معین برشمرده شده بود در میان اعضای شورای بازنگری قانون اساسی این بحث مطرح بود که آیا وظایف و اختیارات رهبری منحصر به همان موارد است یا اختیارات دیگری هم وجود دارد. مرحوم آیت‌الله میرزا علی مشکینی برای بیان این که وظایف و اختیارات رهبری به موارد مذکور منحصر نیست پیشنهاد داده بودند که در پایان اصل 110 پس از شمارش موارد مذکور این عبارت اضافه شود: "و سایر وظایفی که در قانون اساسی و کتب فقه اسلامی بر عهده ولی امر مسلمین گذارده شد." (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج3، ص1374). آیت‌الله موسوی اردبیلی با این پیشنهاد مخالفت می‌کند با این استدلال که: "اضافه کردن این جمله یا لغو است، یا همه کارهای دیگر را لغو می‌کند و از طرف دیگر احاله به یک مطلب مجهول است. مراد از کتب فقه چیست؟ هر کس ممکن است به یک کتاب فقهی استناد کند و این، قانون اساسی را بر باد دادن است. اگر بگوییم ما با وجود این که قانون اساسی نوشته ایم، ولی مطلق در همه جا می‌تواند حق وتو داشته باشد، فردا آمد گفت: من زید را رئیس جمهور نصب می‌کنم، بگوییم: نه آقا! این باید متکی به آرا باشد؛ می‌گوید: من از ولایت مطلقه خودم استفاده می‌کنم این جوری که نمی‌شود، این صدر و ذیل ندارد. (نک: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج 3، ص 1374-1375 با تلخیص و اندکی تصرف در عبارات). کاربست تحلیل گفتمان در این سخن نشان می‌دهد که گوینده آن از یک سو نگران ارجاع به امر مبهم و تفسیربردار است. از سوی دیگر نگران آن است که مبادا مقامی که خود از یک ساز و کار نهادی و از درون قانون اساسی برآمده است، همان قانون را بی‌اثر سازد.

متاسفانه با گذشت بیش از سی سال از تجربه قانون‌گذاری در کشور هنوز ارجاعات کلی، مبهم و تفسیربردار به فقه و منابع فقهی یکی از مشکلات تعامل فقه و قانون است. تنها برای نمونه در قانون مجازات اسلامی 1392 پس از برشمردن حدود معروف، حکم تمام حدودی که در قانون ذکر نشده است در قالب یک ارجاع کلی به فقه بیان شده است. این در حالی است که درباره نوع این حدود اختلاف نظر فراوان است. آیت‌الله اردبیلی چه بسا در پرتو تجربیاتی که خود از نارسایی‌ها و ابهام در قوانین موجود داشت تاکید می‌نمود که: "با توجه به خطیر بودن امر قانونگذاری و اهمیت آن، لازم است در الفاظ قانون توجه شود تا از تشتت و اختلاف آراء و سوء استفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. همچنین باید راهکارهایی در این زمینه در خود قانون پیش‌بینی شود و قانون را باید به گونه‌ای تفسیر کرد که مخالف با اصل برائت و قاعده قبح عقاب بلابیان نباشد و در صورت شک در شمول مورد باید از اجرای مجازات خودداری نمود. (حقوق و دادرسی کیفری در آیینه فقه، ص 179).

5. قانون مداری و قانون گرایی آیت‌الله موسوی اردبیلی –قدس سره- به زمانی که به عنوان یکی از مسئولان عالی رتبه کشوری عمل می‌کرد محدود نبود. او زمانی که مسئولیت‌های اجرایی و قضایی را ترک گفت و یکسره به تدریس و افتا مشغول شد نیز در فتاوی و پاسخ به استفتاها بر پرهیز از دامن زدن به دوگانه فقه/قانون مواظبت داشت. مراقب بود تا فتاوی وی دست مایه‌ای برای بی‌حرمتی به قانون قلمداد نشود. از همین روی در موارد مختلف در مقام افتا جانب حرمت قانون را پاس می‌داشت. مثلاً در پاسخ به پرسشی درباره حکم استفاده از ماهواره با آن که اعلام می‌نمود: داشتن ماهواره فی نفسه اشکال ندارد ولی استفاده‌های نامشروع جایز نیست؛ تاکید می‌نمودند که: البته چنانچه مقرراتی وجود دارد، رعایت شود (حقوق دادرسی کیفری در آیینه فقه، ص 467، انتشارات رادنگار، 1392).آیت‌الله موسوی اردبیلی به ضرورت نظم در جامعه و پرهیز از خودسری‌ها سخت حساس بود و دامن زدن به بی‌نظمی را حتی به عنوان برپایی فریضه امر به معروف و نهی از منکر برنمی تابید. به این فتوای او بنگرید: "در صورتى که امر به معروف و نهى از منکر متوقّف به برخورد عملى با افراد و ایجاد محدودیت بر آنها و یا اتلاف مال و یا تعرّض به جان و آبروى آنها باشد، امر به معروف و نهى از منکر باید با اجازه مجتهد آگاه و جامع شرایط انجام گیرد و در صورتى که جامعه بر اساس قانون شرع و یا قانونى که مخالف شرع نیست اداره گردد، برخورد عملى با گناهکار باید با حکم دادگاه صالح انجام پذیرد، بلکه آمر به معروف و ناهى از منکر باید به گونه‏اى عمل کند که ظاهر و باطن این عمل موجب توهین به اسلام و یا هرج و مرج و خودسرى نگردد.(مساله 2237 رساله توضیح المسائل) می‌بینیم که اهمیت نظم و انتظام اجتماعی در نظر ایشان به جامعه‌ای که بر اساس قانون شرع اداره می‌شود اختصاص ندارد. او گاه ارتکاب خلاف قانون را مانند ارتکاب عمل خلاف شرع می‌دانست(نک: رساله توضیح المسائل، مساله 2776)
6. با این حال در نگاه آیت‌الله موسوی اربیلی حتی در حکومت مبتنی بر شریعت، فقه یکسره تابع قانون و در خدمت حاکمیت نیست. بلکه فقه به مثابه منبع قانون باید تنگناها و کاستی‌های ناشی از قانون را برطرف کند. از جمله اگر قانون احیانا در جهت تضعیف حقوق و آزادی‌های مردم باشد فقه که منبع قانون است این بار باید به مثابه یار و یاور مردم عمل کند و به کمک آنان بشتابد و میان دولت که علی الاصول قدرتمند است و فرد که نیازمند به حمایت است تعادل و موازنه برقرار کند؛ نه این که به ابزاری در دست قدرت تبدیل شود. این بدترین وضعیتی است که ممکن است برای شریعت که در گوهر ذاتش پاسدار و مدافع حقوق و آزادی‌های مردم است پیش بیاید. پیداست که حرکت بر این خط باریک و ظریف که فقه و شریعت هم مانع و مزاحمی برای قانونگذاری و قانونگرایی نباشد و همزمان به ابزار دست حکومت تبدیل نشود بسیار دشوار است. تحلیل گفتمان فقهی و فتوایی آیت‌الله موسوی اردبیلی و حتی عملکرد او گواهی می‌دهد که او در این زمینه دغدغه‌مند بود. او برهمین پایه فتوا می‌داد که: اقدام به تاسیس مجامع فرهنگى یا نشر کتب و نشریات مفید یا تولید برنامه‏هاى رادیویى و تلویزیونى و مشابه آن که موجب تقویت پایه‏هاى عقیدتى، اخلاقى و عملى و یا رشد افکار و بالا رفتن سطح معلومات اجتماعى و دینى مردم می‌شود، از وظایف مهمّى است که شایسته است افراد به اندازه قدرت و توان خود به آن عمل نمایند و ممانعت از آن جایز نیست(مسأله 2774 توضیح المسائل). می‌بینیم که او بر خلاف برخی دیدگاه‌ها در جامعه ما به افراد و مسئولیت‌ها و حقوقشان بها می‌دهد و جلوگیری از پیگیری حق‌ها یا اجرای مسئولیت‌ها را از سوی هر کسی –آحاد افراد یا دولت- برنمی تابد. از این دست فتاوی در آثار او کم نیست. روحش شاد و با اولیای الهی محشور باد.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه نامه، چهارشنبه، هشتم دی 1395،

لینک:

 <http://jomhourieslami.net/engine/print.php?newsid=119055>